

## تحلیل کارکردهای اجتماعی شورای نگهبان در سپهر اندیشه امام و رهبری بر پایه روش تحلیل مضمون

دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲      تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶      مهدی مشکینی باف مقدم\*  
و مسعود معینی پور\*\*

### چکیده

کارآیی اجتماعی هر نهاد در ساختار سیاسی، با توجه به فاصله آن از گرانیگاه آن نظام، با مانایی و توانایی حکومت سیاسی در ترابط اکید است. لهذا ضروری است در گام نخست، کارکردها که ترسیم‌گر مسیر دستیابی به کارآیی هستند، مورد اهتمام، اصطیاد و اعمال قرار گیرند. امام و رهبر معظم انقلاب از بدو تأسیس نظام دینی با توجه به اهمیت جایگاهی شورای نگهبان، تأکیدی ویژه بر بذل و وسع شورا در ساحت کنش اجتماعی علاوه بر رسالت‌های مقرر قانونی داشتند. با توجه به تکرر و تنوع فرمایشات، نیازی جدی به صورت‌بندی تحلیلی از کارکردهای اجتماعی شورای نگهبان برای هموارسازی چشم‌انداز رفتار اجتماعی در راستای معاضدت و نظارت عمومی، امری ضروری قلمداد می‌شد. به این جهت بررسی و تحلیل فرمایشات امامین انقلاب از بدو تأسیس شورا تا تیرماه ۱۴۰۲ به روش تحلیل مضمون مورد مذاقه قرار گرفت و منتج به استحصالی ۴ عنصر به عنوان رسالت‌های اجتماعی شورای نگهبان گردید که عبارتند از: نهادینگی جایگاه شورای نگهبان، حراست از جمهوریت و اسلامیت نظام، تثبیت اقتدار اجتماعی شورای نگهبان و تحکیم اعتماد سیاسی - اجتماعی به شورای نگهبان. بالتبع تحقق این وظایف به مثابه دال مرکزی تکالیف اجتماعی شورای نگهبان، وظیفه خود شورا است که بایستی سازوکارهای آن تعبیه شده و مأموریت‌های اجتماعی هم‌تراز مأموریت‌های فقهی - حقوقی صورت پذیرد.

### واژگان کلیدی

شورای نگهبان، کارکردهای اجتماعی، روش تحلیل مضمون، اندیشه‌های امام، اندیشه‌های رهبری

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم 7:

mehdi.moqaddam@gmail.com

\*\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم 7:

moeini\_masood@yahoo.com

## مقدمه

شورای نگهبان یکی از نهادهای تأسیسی ج.ا.ا پس از انقلاب اسلامی که رکنی رکین در سازوکار ساختار سیاسی - اجتماعی کشور انگاشته می‌شود، از سوی قانون اساسی متکفل فرایندی در مجموعه نظام اسلامی است که هرگونه آسیب به آن، نظام را تحت الشعاع قرار داده و هویت حکومت دینی را خدشه‌دار می‌سازد. وجدان و فقدان این نهاد نظارتی که برآمده از متن نظریه اسلام سیاسی است را می‌توان مساوق بود و نبود نظام دانست که باید از آن حراستی مستوفای صورت پذیرد و صیانت از آن، وظیفه افراد و نهادهای مختلفی از جمله خود این شورا است. در راستای نگهبانی از این نهاد نگهبان که شأنی از شئون ولایت فقیه بوده و به‌نوعی بُعدی از ابعاد کنش‌گری ولی فقیه محسوب می‌شود، رهبر انقلاب می‌فرماید:

اگر حقیقتاً ما بود و نبود شورای نگهبان را به منزله بود و نبود نظام و هویت مورد نظر نظام می‌دانیم، پس حفظ آن و آن را در ذهن‌ها جا انداختن، وظیفه همه و در درجه اول خود شورا است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۷/۱۱).

برای پاسداری از این نهاد، خود شورای نگهبان باید در حوزه‌های مختلفی به فعالیت بپردازد که قاعدتاً عمل به وظایف سه‌گانه ابلاغی از جانب قانون اساسی؛ یعنی نظارت بر انتخابات، نظارت بر قانون‌گذاری و تفسیر قانون اساسی در مرحله نخست قرار دارد؛ لیکن در وهله‌های پسین و شاید بتوان گفت در عرض انجام همان وظایف قانونی، تکالیف دیگری نیز بر عهده شورای نگهبان است که در صورت اهمال یا کم‌توجهی به آن‌ها، می‌تواند به همان میزان کم‌کاری در وظایف قانون اساسی، آثار سوء و مخرب علیه شورا و نظام داشته باشد. از جمله آن‌ها تکالیف اجتماعی است که بتواند در نهایت به شورای نگهبان پایدار و پویا بیانجامد و بدنه اجتماعی را در مسیر انقیاد و حمایت از آن همراه نماید. گرچه انجام اموری از این دست در راستای جامعه‌پذیری شورا، فریضه نهادهای متعددی چون رسانه‌های ارتباط جمعی، نیروهای نظامی، جریان‌های علمی و آکادمیک و...

نیز هست، اما بار انجام این رسالت در گام نخست متوجه خود این نهاد مقدس است.

این مطلب بدان معناست که اگر شورای محترم نگهبان در راستای وظایف اجتماعی خود و همراهسازی لایه‌های مختلف اجتماعی با شورا، کنش‌گری صحیح و لازم را نداشته باشد، ضرباتی جبران‌ناپذیر به نظام مقدس جمهوری اسلامی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت وارد آمده و با این لطمات از یک سو و هجمه‌های دشمنان برای تخریب و امحای نظام از سوی دیگر، بیم آن می‌رود که بر جمهوریت یا اسلامیت نظام خدشه جبران‌ناپذیر وارد آید. مرور دوران پساانقلاب نیز مؤید این مطلب است که هر زمان دشمنان این نظام توانستند شورای نگهبان را تحت ضربات خود قرار دهند و در ساحت اجتماعی، تصویری آسیب‌پذیر از شورا ترسیم شود، نظام تحت‌الشعاع این امر قرار گرفت و مقابله با جمهوری اسلامی تا کف میدان امتداد یافت.

اهمیت نحوه کنش اجتماعی این شورا از اول تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، برای بنیان‌گذاران نظام، امری بدیهی بوده و در زمان‌ها و مناسبت‌های مختلف، به شورای محترم جهت مسیریابی صحیح کنش اجتماعی و الزامات و بایسته‌های آن، مطالبی را متذکر می‌شدند که با توجه به این‌که فرامین رهبری از اسناد بالادستی نظام مقدس ج.ا.ا. شمرده می‌شود، کارکردهای اجتماعی این شورا را تبیین می‌نماید.

### پیشینه

گرچه به شکل پراکنده گفتارهای امام و رهبری پیرامون شورای نگهبان در عرصه رسالت‌های اجتماعی برای پژوهش‌گران و دلسوزان نظام مورد توجه قرار گرفته است، اما تا کنون در هیچ پژوهشی به صورت جمع‌بندی‌شده و نضج‌یافته بدان پرداخته نشده و از مجموع تألیفاتی که در میان آثار مکتوب پیرامون شورای نگهبان یافت می‌شود، می‌توان به ۳ اثر به عنوان پیشینه این پژوهش اشاره کرد که به نحو اجمال در راستای تحقیق مد نظر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. کتابچه اینترنتی «شورای نگهبان از منظر امام و رهبری»<sup>۱</sup> به قالب‌بندی فرمایشات امامین انقلاب پیرامون شورای نگهبان پرداخته و با گردآوری سخنان امام و رهبری پیرامون شورای نگهبان، تلاش داشته که بتواند تصویری از شورای نگهبان مطلوب را ترسیم نماید. در این نوشتار علاوه بر این‌که به کارکردهای تخصصی اجتماعی شورا امعان نظری نیست، صورت‌بندی انجام‌شده نیز بعضاً تداخلاتی داشته و مکتوبه موجود صرفاً تجمیعی از بیانات ایشان با آراستگی اجمالی موضوع‌بندی شده است.

۲. پایان‌نامه «صلاحیت‌های رهبری در پرتو نظرات شورای نگهبان» با هدف بررسی نگاه شورای نگهبان به صلاحیت‌های رهبری است و از اصل ۱۰۸ تا ۱۱۰ را مورد توجه حقوقی قرار داده است؛ لیکن ذیلاً به نظرات رهبری پیرامون این نهاد نیز اشاره داشته و برخی وظایف آن را مورد توجه قرار می‌دهد، اما با توجه به روی‌کرد حقوقی این رساله، به بایسته‌های کارکردهای اجتماعی شورا از منظر رهبری التفاتی ندارد.

مقاله «امام و شورای نگهبان» با نقل برخی جملات امام، به پاره‌ای از وظایف اجتماعی شورا از جمله رسالت تحفظ بر جمهوریت نظام توسط شورا اشاره شده است؛ لیکن اولاً تمرکز بر کارویژه‌های اجتماعی شورا ندارد، ثانیاً اقتراح پیرامون نگاه امام به شورا است که جامعیت نداشته و صرفاً نگاهشده‌ای فاقد صورت‌بندی است که به ارائه فرمایشات امام پیرامون شورا به‌گونه‌ای پیوسته پرداخته است.

ویژگی پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین در این است که تلاش دارد تا با روی‌کردی جامعه‌شناختی به بررسی کارکردهای این نهاد سیاسی پردازد و با استفاده از روش تحلیل مضمون در واکاوی اندیشه‌های امامین انقلاب، آن را ترسیم نماید.

### مفاهیم

در عنوان این نوشتار، مفاهیم کارکردهای اجتماعی و روش تحلیل مضمون ۲ متغیر محوری نیازمند واکاوی اجمالی است تا در ادامه مقاله شباهت احتمالی پاسخ داده شود.

## کارکردهای اجتماعی

اگر نهاد را همان‌طور که آنتونی گیدنز تعریف کرده، عبارت بدانیم از صور پایدارتر زندگی اجتماعی که در طول زمان و مکان (به نظام‌های اجتماعی) استحکام می‌بخشند (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۶۹)، بالتبع تشکیل نهادهای اجتماعی جهت قوام‌بخشی به نظام در هر زیست‌بومی، تکون می‌یابد که این امر، بر اساس نیازهای آن جامعه به صورت تعیینی یا تعینی (که گاه تعبیر نهادهای رسمی و غیر رسمی هم می‌شود) صورت می‌پذیرد (گلشن فومنی، ۱۳۷۹، ص ۱۱). برجستگی نیاز هر نظام سیاسی با برجستگی نهاد تأسیسی یا تأییدی در آن نظام، ارتباط مستقیم داشته و کارکردهای نهاد مزبور نیز بر اساس همین روند، تعریف شده و ضریب می‌گیرد.

برای نهاد، به صورت عمومی ۶ کارکرد متصور است (کوئن، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹-۱۴۷) که به مقتضای زیست‌بوم نهاد، بومی‌سازی می‌شود؛ لیکن هر نهاد به مقتضای کارکردهایی که بدو تأسیس و مبتنی بر نیاز در رکیزه مؤسسان آن پرویده‌شده، رسالت‌هایی را باید دنبال کند که تخطی از آن به عوارضی چون کژکارکردی گرایش می‌یابد. البته این پیش‌فرض را باید حل‌شده دانست که در چالش نظری اصالت فرد و جامعه، اگر پذیرفته شود اصالت با فرد است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۹۷-۸۴) و مراد از اصالت، وجود بدوی و تجلی خارجی باشد، عمل کرد هر جامعه‌ای در ابعاد خرد و کلان، در پرتو رفتار اعضای آن جامعه تفسیر شده و بر اساس منش و کنش ایشان ترجمه می‌گردد. سلوک نهادهای اجتماعی، خرده‌جوامع یک کلان‌اجتماع، در همین چارچوب قابل تبیین و تفسیر است. با این فرض، در هر نهاد اجتماعی که برون‌داد آن به نحوی برگرفته از براین رفتار کنش‌گران آن نهاد می‌باشد، کنش اجتماعی قابل ارزیابی را به منصفه ظهور می‌نشانند که میزان تطابق یا عدم تطابق بر کارکردها را مشخص می‌کند.

البته باید توجه داشت که مراد از کنش اجتماعی در این‌جا همان ترجمان عمومی این اصطلاح است و اشعاری به نگرش وبر، پارسونز و... در تعریف این اصطلاح ندارد.

مشخصاً مراد از کنش اجتماعی (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۸۰، ص ۶۰)، هرگونه فعالیت اجتماعی که در نتیجه بینش‌ها و گرایش‌های فکری نهاد مربوطه تجلی و بروز یافته و به سمت هدفی خاص جهت‌گیری می‌شود؛ به بیان ساده‌تر، کنش اجتماعی دربرگیرنده‌ی گزینش‌های ارادی افراد و گروه‌ها برای محقق‌ساختن اهداف مورد نظرشان است (استونز، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴).

شورای نگهبان به مثابه نهاد حافظ جمهوریت و اسلامیت نظام، واجد کنش‌های معناداری در سطح جامعه است که در صورت مغایرت با کارکردهای متوقع، مستلزم انحراف اجتماعی نظام اسلامی خواهد بود و بایسته است که علاوه بر تشخیص کارویژه‌های قانونی (فقهی - حقوقی) آن که در قانون اساسی بدان پرداخته شده، کارکردهای اجتماعی آن نیز تبیین شود تا کنش اجتماعی این نهاد مبتنی بر کارکردهای اجتماعی راه‌یابی و ارزیابی گردد. این امر از سویی به توانش شورا در راستای نحوه رفتار اجتماعی جهت می‌دهد و از سوی دیگر، با ارتقای قدرت کنترل اجتماعی، بستر نظارت عمومی را مهیا کرده و بدنه مردمی می‌تواند از طرفی نظارت و از طرف دیگر معاضدت خود را به این نهاد واصل نمایند.

با توجه به مطالب ذکر شده مراد از کارکردهای اجتماعی، مجموعه فعالیت‌هایی در سطح بدنه اجتماعی است که شورای نگهبان باید در کنار انجام وظایف قانونی خود مد نظر داشته و در راستای برون‌دادهای رفتاری و کنش‌های اجتماعی اعمال نماید. به بیان دیگر، کارکردهای اجتماعی شورای نگهبان به نحوی خط مشی رفتاری است که حدود و ثغور بروز و ظهورهای اجتماعی شورای نگهبان را در چارچوب انجام وظایف فقهی - حقوقی آن مشخص نموده و مسیر رفتارهای اجتماعی آن را در راستای اعمال وظایف حاکمیتی ترسیم می‌نماید. طبیعتاً بازتاب کنش اجتماعی شورای نگهبان که در تعاملات مردم و شورا بازتابی می‌شود، گویای این واقعیت است که شورا در انجام کارکردهای اجتماعی خود موفق ظاهر شده است یا خیر.

## تحلیل مضمون

از روش‌های پرکاربرد و سهل الوصول که در عین تضمین عمق محتوایی، مسیر دستیابی به حاق مفهوم را هموار می‌نماید، روش تحلیل مضمون است که داده‌های کیفی به صورت روشمند، دسته‌بندی شده و محقق با طی مسیر گام به گام و واکاوی لایه‌های زیرین به هسته مرکزی مفاهیم رهنمون می‌شود. در این روش، وزان تحقیق بر دیدن متن، برداشت مناسب از اطلاعات به ظاهر نامرتبط و تحلیل اطلاعات کیفی مستقر است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ش ۲، ص ۱۹۸-۱۵۱).

تحلیل مضمون از جمله روش‌های غیر واکنشی است که مهم‌ترین کار آن مقوله‌بندی مفاهیم بوده و سه ویژگی محوری دارد: فراگیری، طرد و استقلال (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۱-۱۱۴). این روش در کم‌ترین حالت، مجموعه داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی و شرح می‌دهد و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌کند. در این روش، مضمون یا تم<sup>۲</sup> ویژگی تکراری و متمایز در متن است که نشان‌دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و درک خاصی در مورد سؤالات پژوهش و الگویی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها یافت شده است و به توصیف و سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۵۳-۵۴).

در روش تحلیل مضمون، مراحل استخراج محتوا به صورت گام به گام صورت می‌گیرد که ورودی آن در ابتدای متن یا محتوای والیه است و سپس طی فرایند تحلیل مضامین، به شبکه‌ای از مفاهیم دست‌یافته می‌شود که دارای سطح‌بندی هستند. مراد از سطح‌بندی این است که برخی مفاهیم مهم‌تر (که انتزاعی‌تر هم هستند) بوده که در جایگاه مرکزی قرار می‌گیرند و باقی مضامین پیرامون این مضامین اصلی سازماندهی می‌شوند (کاویانی و نظری، ۱۴۰۱، ش ۱۱۰، ص ۷۰-۵۳).

چهار روش مرسوم در تحلیل مضمون به صورت کلی استفاده می‌شود که عبارتند از: قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ش ۲، ص ۱۹۸-۱۵۱).

قالب مضامین عمدتاً در تحقیقاتی استفاده می‌شود که داده‌ها و متون زیادی وجود داشته باشد و با استفاده از روش خوشه‌بندی و دختواره‌سازی به سطح‌بندی مضامین در چهار یا پنج سطح اهتمام می‌شود. پس از ایجاد قالب مضامین، این قالب مدام بازبینی می‌شود؛ تا جایی که درک کاملی از متن برای پژوهش‌گر فراهم آید. ماتریس مضامین الگویی مقایسه‌ای جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین با منابع داده‌ها است. در ترسیم داده و نتایج حاصله از این روش، جدولی تقاطعی از ردیف‌ها و ستون‌ها ترسیم می‌شود و در نهایت ترکیبی از دو فهرست به صورت جدولی توافقی حاصل و عرضه می‌گردد. شبکه مضامین عرضه‌کننده نقش‌هایی شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است که بر اساس روندی مشخص از متن پدیده، مضامین پایه را استخراج کرده و با دسته‌بندی آن به سطحی انتزاعی‌تر، مضامین سازمان‌دهنده را استحصال و در نهایت به مضامین فراگیر که گام اصلی تحقیق است، دست می‌یابد. این مدل، به خلاف روش قالب مضامین، فاقد سلسله‌مراتب بوده و مضامین به مضامین به صورت شبکه‌ای و شناور وابستگی متقابل دارند. تحلیل مقایسه‌ای روشی است که مضامین در بین افراد و منابع مختلف با هم مقایسه می‌شود و به علت هم‌زمانی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در تحلیل مضمون، کدگذاری، مرور ادبیات نظری و یادداشت‌های پژوهشی هم‌زمان استفاده می‌شود.

در این پژوهش از روش شبکه مضامین به دلیل قابلیت نمایش تارنما و شبکه معنایی که می‌تواند برای مخاطب بیش‌تر قابل استفاده باشد، استفاده می‌شود. تحقیق پیش‌رو با توجه به فقدان سابقه پژوهشی تطابقی در این عرصه تلاش دارد که از مسیر علمی خارج نشود و بدین منظور در گام نخست با واکاوی سخنان امام (جدول شماره ۱) و مقام معظم رهبری (جدول شماره ۲) پیرامون شورای نگهبان و استحصال مباحث ناظر بر بعد کنش اجتماعی شورا، مضامین پایه استخراج می‌شود. سپس با دسته‌بندی و جرح و تعدیل کیفی از مضامین پایه در ستونی مجزا، مضامین سازمان‌دهنده خروجی می‌یابد و در گام سوم از برابند دو دسته قبل، به محور سوم که مضامین فراگیر باشند، نایل خواهیم آمد. انتزاع مضامین فراگیر در مرحله نهایی که به تعبیری دال مرکزی

گام‌های سابق است، دستاورد اختصاصی پروژه بوده و بخش اصلی نوآوری این نوشتار به حساب می‌آید و در تارنمایی مجزا به تصویر کشیده می‌شود (شکل شماره ۱). برای صحت‌سنجی مفاهیم حاصله در محور سوم، می‌توان از انطباق مضبوط آن بر ردیف‌های گذشته و محتوای اولیه ارزیابی عملی را انجام داد و بر اتقان مضامین فراگیر اصطیاد شده اعتماد نمود.

### بایسته‌های کنش اجتماعی شورای نگهبان از منظر امام خمینی ۱

پس از انقلاب، با توجه به فضای حاکم در ابتدای شکل‌گیری نظام اسلامی و شرایط ابتدای پیروزی در هر انقلابی، بستر چندانی برای مقابله و هجمه به شورای نگهبان مهیا نبود و فراز و نشیب‌های میدانی، بیش‌تر پیرامون سلوک اجتماعی اعضای شورا وجود داشت. با توجه به اتمسفر انقلابی کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و هم‌سویی حداکثری با تصمیمات منتسب به نظام، احزاب و نهادها عمدتاً منقاد بوده و تصمیمات اعلامی و اعمالی شورا با چالش‌های سنگین اجتماعی مواجه نمی‌شد؛ از سویی نیز این نهاد تازه‌تأسیس که با مؤلفه‌های منحصر به فرد و ممتاز خود، فاقد پیشینه بوده و تحدیث آن، ابهام‌های رفتاری را نیز در پی می‌داشت، این مطالبه را، ولو به صورت ضمنی می‌طلبید که در پرتو رهنمون‌های راهبران حکیم، ریل‌گذاری عمل‌کردی شود و خطوط سبز و قرمز آن علاوه بر حیطه‌های فقهی و حقوقی، بالخصوص در ساحت اجتماعی نیز ترسیم گردد.

در دهه اول انقلاب که راهبری نظام آمیخته با بحران‌های روزمره امنیتی، اجتماعی و اقتصادی بود، امام در بازه‌های زمانی مختلف، این نهاد را مورد توجه قرار داده و بیاناً و بنائاً در وصیت‌نامه و ۲۴ سخنرانی و مکتوبه به صورت مستقیم و غیر مستقیم، شورای نگهبان را مسيردهی نمودند که مشحون از نکات راهبردی، جهت انواع کنش‌های قانونی و اجتماعی بود. در جدول زیر آنچه از این میان در راستای کارکردهای اجتماعی این نهاد توسط امام بیان گردیده صورت‌بندی شده است.

جدول شماره ۱. مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر مرتبط با بایسته‌های کنش اجتماعی شورای نگهبان از منظر امام خمینی ۱

ردیف	محتوا	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	شما روی مواضع اسلام قاطع بایستید، ولی به صورتی نباشد که انتزاع شود، شما در همه جا دخالت می‌کنید. صحبت‌های شما باید به صورتی باشد که همه فکر کنند در محدوده قانونی خودتان عمل می‌کنید، نه یک قدم زیاد و نه یک قدم کم. در همان محل قانونی وقوف کنید، نه یک کلمه این طرف و نه یک کلمه آن طرف (۱۱ شهریور ۱۳۶۳).	تحفظ بر حدود الهی قاطعیت شورای نگهبان ترسیم هم‌افزایی شورا با سایر نهادها	تکلیف‌گرایی قاطعانه تعامل نظارت‌مدار	تثبیت اقتدار اجتماعی شورای نگهبان
۲	من با نهاد شورای نگهبان صد در صد موافقم و عقیده‌ام هست که باید قوی و همیشگی باشد، ولی حفظ شورا مقدراری به دست خود شماست. برخورد شما باید به صورتی باشد که در آینده هم به این شورا صدمه نخورد. شما نباید فقط به فکر حالا باشید و بگویید آینده هر چه شد، باشد... شما باید طوری فکر کنید که این شورا برای همیشه محفوظ بماند (۱۱ شهریور ۱۳۶۳).	حفاظت از جایگاه شورای نگهبان آینده‌نگری سیاسی-اجتماعی	تضمین دوام مقتدرانه شورای نگهبان	
۳	رفتار شما [اعضای شورای نگهبان] باید به صورتی باشد که انتزاع نشود که شما در مقابل مجلس و دولت ایستاده‌اید. این که شما یکی و مجلس یکی، شما یکی و دولت یکی، ضرر می‌زند (۱۱ شهریور ۱۳۶۳).	ترسیم هم‌افزایی شورا با سایر نهادها	حفظ جایگاه شورا در افکار عمومی	

	<p>تضمین دوام مقتدرانه شورای نگهبان</p>	<p>ترسیم هم‌افزایی شورا با سایر نهادهای آینده‌نگری سیاسی-اجتماعی</p>	<p>شما باید توجه داشته باشید که اگر مباحثات به مناقشات تبدیل شود و جلوی یک‌دیگر بایستید، اسباب این می‌شود که شورای نگهبان تضعیف شود و در آتیه از بین برود و آن کسانی که علمایی را که قبلاً کار شورای نگهبان را می‌کردند، کنار گذاشتند، به این خاطر بود که کم کم آن‌ها را مخالف خود احساس کردند و کنار گذاشتند و به تدریج این شیطنت صورت گرفت. پس همه ما باید بیدار باشیم (۱۱ شهریور ۱۳۶۳).</p>	<p>۴</p>
<p>حراست از اسلامیت نظام</p>	<p>تقدم حکم الهی بر تمایلات اجتماعی</p>	<p>تحفظ بر حدود الهی نگاه واقع‌بینانه به حقایق جامعه اسلامی</p>	<p>خدا را در نظر بگیرید. اصولاً آنچه که باید در نظر گرفته شود، خداست، نه مردم، اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آن‌ها حرفی می‌زنند که بر خلاف حکم قرآن است، بایستید و حرف خدا را بزنید، ولو این‌که تمام بر شما بشورند. انبیا همین‌طور عمل می‌کردند. خلاصه گوش به حرف طبقه مرفه ندهید. خدا ان‌شاءالله با ماست (۳۰ تیر ۱۳۵۹).</p>	<p>۵</p>
	<p>قانون‌مداری مؤمنانه</p>	<p>تحفظ بر حدود الهی ترسیم هم‌افزایی شورا با سایر نهادهای</p>	<p>باید به حکم خدا عمل کنید و به این هم کاری نداشته باشیم که چه کسی از این کاری که برای خدا می‌کنیم، خوشش می‌آید و یا چه کسی بدش می‌آید. من در تمام مواقعی که مقتضی بوده است، مجلس و شورای نگهبان را تأیید کرده‌ام. ما باید دست به دست یک‌دیگر بگذاریم تا یک کشور اسلامی درست کنیم. امروز دنیا با ما به خاطر اسلام بد است (۱۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۲).</p>	<p>۶</p>

	اسلام‌مداری قاطعانه	نگهبانی از احکام مترقی اسلام نگاه واقع‌بینانه به حقایق جامعه اسلامی نفسی ملاحظه‌کاری در انجام وظایف	از حضرات فقهای شورای نگهبان تقاضا می‌شود که در مأموریت مهم خود به هیچ وجه ملاحظه اشخاص و یا گروه‌های انحرافی را ننموده و به وظیفه بسیار خطیر خود قیام و اقدام نموده و نگهبانی از اسلام و احکام مترقی آن نمایند و خدمت خود را با قدرت تمام در پیشگاه خداوند و ولی مطلق او حضرت ولی‌الله اعظم امام عصر(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) انجام دهند (۷ خرداد ۱۳۵۹).	۷
حراست از جمهوریت و اسلامیت	حفاظت از جمهوریت و اسلامیت نظام	آینده‌نگری رفتاری شورا تقویت شورای نگهبان	ما مکلفیم تا علاوه بر این که وضع فعلی را حفظ کنیم، نگهبان آینده نظام و اسلام باشیم. شورای نگهبان باید قوی و همیشگی باشد(۱۱ شهریور ۱۳۶۳).	۸
حراست از جمهوریت نظام	کنش کل‌نگر در جامعه	قاطعیت شورای نگهبان توجه به جمهوریت	به هیچ وجه گوش به حرف عده‌ای که می‌خواهند یک دسته کوچک مردم ما خوش‌شان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند، ندهید(۳۰ تیر ۱۳۵۹).	۹
	حفاظت قاطع از نظام جمهوری	قاطعیت شورای نگهبان توجه به جمهوریت	وظیفه آنان [شورای نگهبان] بسیار مقدس و مهم است و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی‌کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است آقایان با تعهدی که دارند، تحت تأثیر هیچ جوئی واقع نمی‌شوند (۲۰ آذر ۱۳۶۲).	۱۰

## بایسته‌های کنش اجتماعی شورای نگهبان از منظر مقام معظم رهبری

با شروع زعامت نظام اسلامی توسط آیه‌الله خامنه‌ای و گذار از دوران اولیه پیروزی انقلاب، آرامش نسبی امنیتی بر کشور حاکم شد و تحولات اجتماعی داخلی ضریب مضاعف یافت. از مهم‌ترین وقایع، ظهور جریان‌های دگراندیش در قامت اندیشمندان نظریه‌پرداز بود که با بهره‌وری از رسانه‌ها به اظهار نقطه‌نظرات خود در سطح جامعه پرداختند. ارتقای سطح علمی، اجتماعی و اقتصادی عموم جامعه، پس از سال‌های بدوی انقلاب، نیازهای اجتماعی را دست‌خوش تغییر قرار داد و بایستی در راستای تقویت انگاره‌های عمومی پیرامون فلسفه سیاسی نظام دینی بالخصوص در مسأله شورای نگهبان تحول تجاوبی درخوری تحقق می‌یافت. ظهور احزاب و گروه‌های سیاسی متفاوت و متعدد، اتفاقات و روی‌دادهای عظیم سیاسی داخلی و بین‌المللی، انتخابات‌های مکرر، قوانین خاص و ابهامات پیرامون برخی اصول قانون اساسی که همه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با شورای نگهبان مرتبط بود، بر اهمیت این امر بسامد می‌بخشید.

بخش مهمی از این موارد بیش از آن‌که به عمل‌کرد قانونی شورا مرتبط باشد، با کنش اجتماعی و تجلی بیرونی شورای نگهبان مرتبط بود. رهبر معظم انقلاب از آن زمان تا کنون علاوه بر نکاتی که پیرامون حمایت و اجلال این نهاد بیان فرمودند، تذکراتی نیز به شورا برای نمود هرچه بهتر آن ایراد داشتند که بر اساس آنچه پیرامون شورای نگهبان از معظم‌له قابل دست‌یابی است، از ابتدای زعامت تا تیرماه ۱۴۰۲ بیش از ۲۵۰ وهله در بیانات و مکتوبات موجود، به صورت عمومی و اختصاصی به شورای نگهبان پرداخته‌اند. از این بین، آنچه مستقیماً به رفتار سیاسی - اجتماعی شورا مربوط می‌شود، در جدول زیر قالب‌بندی گردیده است.

جدول شماره ۲. مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر مرتبط با بایسته‌های کنش اجتماعی شورای نگهبان از منظر مقام معظم رهبری

ردیف	محتوا	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	شورای نگهبان، عماد ملت و دین و مایه اطمینان و سکینه قلب مؤمنین است و در حقیقت نبض نظام اسلامی به شمار می‌رود. وقتی شورای نگهبان مثل همه دوره‌های گذشته آن، قوی و قاطع و دقیق باشد، موجب آرامش کسانی می‌شود که دلشان برای اسلام می‌تپد و آرزوی شان تحقق اهداف اسلامی و شریعت حقه نبویه است (۲۱ خرداد ۱۳۶۸).	قاطعیت دینی شورای نگهبان آرامش‌بخشی اجتماعی	تکیه‌گاه عموم جامعه اسلامی	تثبیت اقتدار اجتماعی شورای نگهبان
۲	چنین دستگاهی که این همه اهمیت دارد، باید ابهت و اقتدار و تکریم و حرمتش حفظ شود. هم خود آقایان محترمی که در این شورا و یا منتسب به این شورا هستند - مثل شما آقایان - بایستی این ابهت و احترام و حرمت را نگهبان حفظ کنند، هم دیگران که در بیرون شورا هستند. مبدا خدای نکرده کسی از هیأت‌های نظار در گوشه‌ای از کشور کاری کند که دهان بدخواهی را باز کند و احترام شورای نگهبان هتک شود یا در بیان مطالب، طوری حرف زده شود که احیاناً کسانی به عنوان اعتراض - نه از سر خیرخواهی - حرمت شورای نگهبان را هتک کنند (۱۴ بهمن ۱۳۷۴).	حفظ اقتدار شورای نگهبان حفظ شأن و حرمت شورای نگهبان	حفظ جایگاه متعالی شورا	حفظ جایگاه شورای نگهبان

۳	شورای نگهبان هم‌چنان که واقعاً وسیله اعتماد عمومی بوده است، باید مظهر این اعتماد هم باشد (۴ اسفند ۱۳۷۰).	جلب اعتماد عمومی	تثبیت اعتماد عمومی	تحکیم اعتماد سیاسی-اجتماعی به شورای نگهبان
۴	من به مقام مسؤولی که می‌شناسم و قاعده کار او را می‌دانم، اعتماد می‌کنم. در این نوبت هم همین جور است؛ من اعتماد می‌کنم، اما این اعتماد من موجب نمی‌شود که اگر چنان‌چه شبهه‌ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید (۲۶ خرداد ۱۳۸۸).	آگاهی‌بخشی عمومی به عمل‌کرد شورا	توجه به افکار عمومی	شورای نگهبان
۵	جمهوری اسلامی اهل خیانت در آرای مردم نیست. سازوکارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه تقلب نمی‌دهد ... شورای محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبهه دارند و مستندات ارائه می‌دهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی (۲۹ خرداد ۱۳۸۸).	مسدود بودن مسیر تقلب در انتخابات آگاهی‌بخشی عمومی به عمل‌کرد شورا	توجه به افکار عمومی	شورای نگهبان
۶	شورای نگهبان نقطه تضمین و تأمین برای نظام اسلامی است. ... شورای نگهبان در مجموعه تشکیلات نظام جمهوری اسلامی - مانند قانون اساسی دین - وضع ویژه‌ای دارد ... که اگر خوب باشد و درست کار کند، این نظام دیگر خطر انحراف از دین نخواهد داشت (۴ بهمن ۱۳۷۴).	کارکرد صحیح شورای نگهبان مانع انحراف نظام از تضمین اسلامیت	تضمین حراسه نظام اسلامی	حراسه نظام اسلامی



<p>اهتمام به حقوق الناس اجتماعی</p>	<p>توجه به ابعاد و سطوح حق الناس در انتخابات تحفظ بر حقوق فردی و اجتماعی</p>	<p>انتخابات حق الناس است؛ ... منتها خب [باید] به عمق این حق الناس برسیم. معنای حق الناس بودن این نیست که فقط آن کسی که پای صندوق نشسته است، باید این حق الناس را رعایت کند که مثلاً فرض کنید آرا را عوضی نخواند یا کم و زیاد نکند؛ این یکی از مصادیق رعایت حق الناس است. یک مطلب، مطلب حق داوطلب است؛ یکی از حقوق مردم، رعایت حق این داوطلبی است که می آید و وارد این میدان می شود و نامزد انتخابات می شود که اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به این که او بیاید. نقطه مقابلش هم همین جور است؛ اگر چنانچه آدم ناصالحی است، راهش ندهیم؛ اگر چنانچه در این مجلس - حالا چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی، چه در هر جایی که انتخابات هست - آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود در این جا را نداشته باشد و ما از این اغماض کنیم، صرف نظر کنیم، رعایت نکنیم، دقت نکنیم و او وارد بشود، این هم باطل کردن حق مردم است، خراب کردن حق مردم است؛ این هم ضد حق الناس است (۱۴ دی ۱۳۹۴).</p>
-------------------------------------	--	--

<p>قانون‌مداری مؤمنانه</p>	<p>نفی ملاحظه‌کاری در انجام وظایف تجلی قانون‌گرایی طرد حب و بغض از تصمیمات</p>	<p>در امر نظارت باید قانون و موازین دینی ملاک و معیار باشد و نه مذاق‌ها و سلاقی شخصی. مطلقاً دنبال مذاق شخصی نروید و این‌طور نباشد که یک وقت انسان خودش تشخیص دهد که اگر این فرد در مجلس نباشد، برای مجلس خسارتی است؛ اگر این شخص باشد، برای مجلس فایده‌ای دارد؛ آن‌گاه بر خلاف موازین و مقررات، این مذاق اعمال شود (۱۴ بهمن ۱۳۷۴).</p>	<p>۱۱</p>
<p>قانون‌مداری مؤمنانه</p>	<p>تحفظ بر حدود شرافت اسلامی</p>	<p>اگر کسانی در پرونده‌های‌شان مشکلی دیده شد که بنا شد به مجلس نروند، مشکل آن‌ها بازگو و پخش نگردد و هتک حرمت آن‌ها نشود. البته ممکن است بعضی کسان بگویند فلان کس را که رد کرده‌اید، باید علت آن را صریحاً بگویید. اگر مطلبی گفتنی است، اشکالی ندارد، آن را بگویید؛ اما اگر مطلبی ناگفتنی است، نباید آبروی اشخاص با این حرف‌ها برود و بیان شود. چون به ما این‌طور گفته‌اند و فشار آورده‌اند، پس ما آبروی این آدم‌ها را ببریم؛ نه. در اسلام حرمت مؤمن خیلی اهمیت دارد و نباید هتک حرمت شود (۱۴ بهمن ۱۳۷۴).</p>	<p>۱۲</p>
<p>اهتمام به حق‌الناس اجتماعی</p>	<p>تصدیق در صلاحیت‌های اعلامی طرد قانونی بدخواهان</p>	<p>من، هم از وزارت کشور دفاع می‌کنم، هم از شورای نگهبان دفاع می‌کنم؛ هر دو دست‌اندرکاران نظام اسلامی‌اند و هر کدام وظیفه‌ای دارند. ... شورای نگهبان هم با کمال دقت و امانت باید مراقب باشد که هیچ‌گونه تخلفی در انتخابات نشود. حق</p>	<p>۱۳</p>

			<p>مردم است که شورای نگهبان نگذارد بدخواهان این ملت به قوه مقننه راه پیدا کنند. شورای نگهبان باید حق مردم را ادا کند و مانع شود از این‌که بدخواهان این ملت، بدخواهان این انقلاب، بدخواهان امام، وارد قوه مقننه کشور امام شوند (۱۳ بهمن ۱۳۷۸).</p>	
<p>از حراست و جمهوریت و اسلامیت نظام</p>	<p>تکثرگرایی سیاسی قانون‌مداری</p>	<p>نفی ملاحظه‌کاری تجلی قانون‌گرایی طرد حب و بغض از تصمیمات سیاسی را نباید با مواضع واقعی انقلابی و قشربندی صحیح ضد انقلابی مخلوط کرد. ممکن است یک نفر باشد که از لحاظ سیاسی مذاقی داشته باشد؛ کسی است که طرفدار انقلاب و علاقه‌مند به انقلاب است و تلاش هم می‌کند؛ اما حالا در انقلاب زید را قبول دارد، عمرو را قبول ندارد؛ در حالی که ما عمرو را قبول داریم، زید را قبول نداریم یا ما هر دوی زید و عمرو را قبول داریم، اما او یکی از آن‌ها را قبول ندارد؛ این‌که جرم نیست (۴ اسفند ۱۳۷۰).</p>	<p>۱۴</p>	
<p>از حراست و جمهوریت نظام</p>	<p>رفتارشناسی سیاسی - اجتماعی</p>	<p>تقویت ادراک سیاسی - اجتماعی رفتارشناسی مضبوط</p>	<p>بعضی‌ها هستند که سروصدای‌شان زیاد است؛ بدون این‌که در آن فتنه‌گری‌بی‌وجود داشته باشد. در مقابل، بعضی‌ها هستند که بدون سروصدا فتنه‌گری می‌کنند! این‌ها را باید حقیقتاً از همدیگر تفکیک کرد. شناختن افراد و تشخیص مصادیق فتنه‌گری و مصادیق کار سیاسی و کار خطی و تفکیک این‌ها از همدیگر، به نظر خیلی مهم می‌آید (۴ اسفند ۱۳۷۰).</p>	<p>۱۵</p>

<p>تکثرگرایی سیاسی</p>	<p>مواظب باشید کارتان یک سر سوزنی از نفی ملاحظه‌کاری معیار قانونی تخطی نکند. نظرات و سلايق ضابطه‌مندی رفتاری شخصی را کنار بگذارید. این که کسی به طرد حب و بغض از خاطر تشخیصی که از دین و انقلاب و تصمیمات اسلام و رهبری و ملت و دولت دارد، یک نفر را تقویت کند، یک نفر را رد کند، یک نفر را تضعیف کند، یکی را یک خرده جلو بکشد، یکی را یک خرده عقب بزند، خلاف ضابطه است. غیر از قانونی که تصویب شده و به دست شما داده‌اند تا طبق آن عمل کنید، هر چیزی را که شما معیار دانستید، بدانید معیار و ضابطه نیست. ضابطه، همین است که در دست شماست. طبق همین ضابطه، دقیق، بدون رعایت حب و بغض، بدون رعایت خط و خطوط و بدون رعایت جهات سیاسی عمل کنید(۴مهر ۱۳۶۹).</p>	<p>۱۶</p>	
<p>تکثرگرایی سیاسی</p>	<p>توجه به سلايق گوناگون سیاسی - اجتماعی توجه به جمهوریت</p>	<p>در تلاش برای احراز صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری دوره نهم، با رعایت موازین قانونی در این امر، از آن جا که مطلوب آن است که همه افراد کشور از صاحبان سلايق گوناگون سیاسی فرصت و مجال حضور در آزمایش بزرگ انتخابات را بیابند، لذا به نظر می‌رسد نسبت به اعلام صلاحیت آقایان ... تجدید نظر صورت گیرد(۲ خرداد ۱۳۸۴).</p>	<p>۱۷</p>
<p>نهادهای شورای نگهبان</p>	<p>ارتقای جایگاه شورای نگهبان</p>	<p>شورای نگهبان باید ... [از طریق] تنویر افکار عمومی نسبت به جایگاه شورا، اطلاع‌رسانی در جهت ارتقای جایگاه شورا</p> <p>این نهاد مهم تلاش نماید(۱۱مهر ۱۳۸۰).</p>	<p>۱۸</p>

۱۹	<p>خدمات و فعالیت‌های شورای نگهبان با ارایه آمار کمی، قابل درک نیست و باید در زمینه اطلاع‌رسانی به مردم، تحولی در کار شورا پدید آید (۲۸ تیر ۱۳۷۹).</p>	<p>اطلاع‌رسانی در جهت ارتقای جایگاه نهادی شورا، تقویت پایگاه کیفی خدمات و فعالیت‌های شورای نگهبان</p>	<p>ارتقای جایگاه</p>
۲۰	<p>مردم مطلع نیستند و عادت بر این جاری شده است که شورای نگهبان در اوقات انتخابات، گاهی با مردم حرفی بزنند. در انتخابات اخیر یک خرده بیش‌تر؛ دفعات پیش از همین هم خیلی کم‌تر. لازم است یک روال اطلاع‌رسانی منظم و مرتبی باشد که مردم در جریان قرار بگیرند (۲۸ تیر ۱۳۷۹).</p>	<p>ایجاد زیرساخت و روال اطلاع‌رسانی در انتخابات، گاهی با مردم حرفی بزنند. در انتخابات اخیر یک خرده بیش‌تر؛ دفعات پیش از همین هم خیلی کم‌تر. لازم است یک روال اطلاع‌رسانی منظم و مرتبی باشد که مردم در جریان قرار بگیرند (۲۸ تیر ۱۳۷۹).</p>	<p>ارتقای جایگاه نهادی شورای نگهبان</p>
۲۱	<p>دو وظیفه بر دوش همه است. یک وظیفه بر دوش مجموعه شورا [شورای نگهبان] است و آن پیراستن و آراستن و کامل کردن و به‌روزر کردن و زبان‌ها را کوتاه‌کردن از شورا و رواج‌بخشیدن به کار شورا در ذهن‌ها و فضای افکار عمومی است تا شورا را بشناسند و بدانند که چقدر کارش مهم است؛ واقعاً این یک مقدار کارهای اثباتی می‌خواهد، یک مقدار هم تبلیغات و بیان می‌خواهد. در این زمینه سخن‌گو و دفتر شورای نگهبان و اطلاعیه‌های شما نقش دارد. به نظر من، این مسئولیت بزرگی بر گردن شورای نگهبان است (۱۱ مهر ۱۳۸۰).</p>	<p>اطلاع‌رسانی در جهت ارتقای جایگاه شورا، تقویت پایگاه اجتماعی شورای نگهبان</p>	<p>تقویت پایگاه اجتماعی شورای نگهبان</p>

<p>تقویت پایگاه علمی شورا در جامعه</p>	<p>انتشار مشروح مذاکرات به تصویر کشیدن علمیت شورا امتداد شورا به مجامع علمی</p>	<p>یکی از چیزهایی که بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام ... انتشار مذاکرات شورا است. فرض بفرمایید در قانون مجازات، ماده چندم این قانون ممکن است دو نظر مخالف وجود داشته باشد؛ خیلی خوب است که در انتشار مذاکرات این نظرات مخالف ذکر بشود ... خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت علمی است برای آزادی شورا (۸ آبان ۱۳۹۲).</p>	<p>۲۲</p>
<p>تقویت پایگاه علمی شورا در جامعه</p>	<p>انتشار مشروح مذاکرات، تبیین علمی اهمیت کار شورا، مرجعیت‌سازی علمی از شورای نگهبان محسوس‌سازی اهمیت کار شورا</p>	<p>آنچه را که در شورای نگهبان به عنوان نظریه و به عنوان رأی صادر می‌شود؛ چه در زمینه ارتباط با قانون اساسی، چه در زمینه ارتباط با شرع، موافقت و عدم موافقت با استدلال و استناد محکم همراه شود؛ این استدلال‌ها یک مجموعه حقوقی بسیار با ارزشی را تهیه می‌کند؛ نگهبان می‌تواند مرجعی قرار بگیرد برای همه کسانی که در زمینه مسائل حقوقی و شرعی و مسائل قوانین و این‌ها کار می‌کنند. در خود شورای نگهبان برای یک مسأله، گاهی مباحثات فراوانی انجام می‌گیرد، حرف‌های خوب گفته می‌شود، استدلال‌های گوناگون در مقابله با نظرات یکدیگر مطرح می‌شود؛ این‌ها چیزهای خیلی خوبی است، این‌ها چیزهای با ارزشی است؛ این‌ها ثبت و ضبط بشود و در اختیار افکار صاحب‌نظران قرار بگیرد تا اهمیت کار شورا حس شود (۲۰ تیر ۱۳۸۶).</p>	<p>۲۳</p>

۲۴	شورای نگهبان باید با ارائه بحث‌ها و دلایل مستند و قابل دفاع در مجامع حقوقی جهانی ... در جهت ارتقای جایگاه این نهاد مهم تلاش نماید (۱۱ مهر ۱۳۸۰).	تصویب‌سازی علمی از شورا در جهانی شورا، ارتقای جایگاه انتشار مشروح نهادهای شورا مذاکرات	تقویت پایگاه
۲۵	اگر حقیقتاً ما بود و نبود شورای نگهبان را به منزله بود و نبود نظام و هویت مورد نظر نظام می‌دانیم، پس حفظ آن و آن را در ذهن‌ها جا انداختن، وظیفه همه و در درجه اول خود شورا است (۱۱ مهر ۱۳۸۰).	تیین نقش راهبردی شورا، جامعه‌پذیری جایگاه شورا	فراگیرسازی نقش شورا

### کشف و توصیف شبکه مضامین

در این مرحله، مضامین اصطیادشده جهت روایی داده‌ها تعریف و تعدیل شده و داده‌ها براساس آن‌ها تحلیل می‌شود. در این گام، شبکه مضامین رسم شده بررسی و تجزیه و تحلیل می‌گردد. باید توجه داشت همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، شبکه‌های مضامین، ابزاری برای تحلیل هستند، نه خود تحلیل و بستری برای درکی عمیق‌تر از معانی. در این قسمت به تحلیل ۴ مضمون استنباط‌شده پرداخته می‌شود.

### تثبیت اقتدار اجتماعی شورای نگهبان

اقتدار اجتماعی، اقتدار خاصی است که جامعه در راه کنترل افراد، تحمیل شرایطی ویژه و... از آن برخوردار است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۵۲). با این‌که گاه در برخی تعاریف جامعه‌شناسانه، اقتدار<sup>۳</sup> به قدرت<sup>۴</sup> تعریف می‌شود (بیرو، ۱۳۸۴، ص ۲۸۵)، لیکن تفاوت میان آن دو در این است که قدرت به شخصیت افراد متکی است، لکن اقتدار وابسته به موقعیت‌های اجتماعی افراد می‌باشد (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷). اقتدار یکی از عناصر عمومی ساختارهای اجتماعی است که هم نماد یک پارچگی کارکردی در نظام‌های سیاسی - اجتماعی محسوب شده و هم محقق‌کننده آن می‌باشد (خورشیدی و ذوالفقاری، ۱۳۹۱، ش ۳۹، ص ۲۸-۷). ساختارهای اجتماعی از مجموعه موقعیت‌ها

تشکیل یافته است و هر کدام از موقعیت‌ها در یک میدان وضعیت قرار می‌گیرند که با سایر موقعیت‌ها مربوط است؛ برای هر وضعیت اجتماعی یک نقش اجتماعی وجود دارد (دارندورف، ۱۳۷۱، ش ۷، ص ۵۴-۵۱). بالتبع در ترابط میان نقش‌ها که برآیند آن به تحقق ساختار اجتماعی می‌انجامد، جزئی از اجزای کلان‌پازل اقتدار نهفته است که راندها کنش مجموعه این نقش‌ها در موقعیت‌ها و وضعیت‌های مختلف به اقتدار اجتماعی ساختار سیاسی منتج می‌شود.

اقتدار اجتماعی به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل ثبات جامعه، جزء برجسته‌ترین ارکان حکمرانی است که اخلاص در آن، راهبری نظام سیاسی را دچار چالش‌های جدی می‌نماید، لهذا قرآن نیز در راستای استحکام نظام دینی از هرگونه امری که به عظمت و مجد یک ملت از جمله اقتدار اجتماعی آسیب بزند، تنذیر داده و با تعبیر «تَذَهَّبَ رِيحُكُمْ» (انفال (۸): ۳۶) جامعه را از عوامل معده آن بر حذر می‌دارد (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶-۱۰۵). در ساختارهای سیاسی - اجتماعی، هر نهادی از جمله شورای نگهبان که از بُعد اهمیت و جایگاه، درآمیخته با هویت و ماهیت نظام است، نقش ویژه‌ای در فرایند اقتدارآفرینی اجتماعی ایفا می‌کنند. به همین سبب، لازم است شورا با توجه به حدود و ثغور وظایف و ابزارها در راستای تحقق اقتدار اجتماعی این نهاد، به تکیه‌گاهی برای عموم جامعه اسلامی تبدیل گردد که این امر از عناصر کلیدی ارتقای سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود. بدیهی است که به هر میزان مردم این نهاد مقدس را به مثابه تکیه‌گاه خود بپذیرند، انقیادی مضاعف در مقابل آن داشته و از اقتداری رفیع‌تر در حوزه اجتماعی برخوردار خواهد شد.

علاوه بر این، با توجه به لزوم تسلط ساختار سیاسی - اجتماعی در نظام دینی که یکی از مهم‌ترین عوامل آن، حفظ نظام سلسه‌مراتبی است، اعضای شورای نگهبان باید بر شأن و جایگاه متعالی آن نهاد مقدس تحفظ نموده و علو مرتبتی آن را حراست نمایند. برخی مداخلات نابجا که به جایگاه متعالی شورا آسیب رسانده و منجر به نابسامانی عمومی گردد و یا تخطی مرزبندی‌های شورای نگهبان با سایر

نهادها را در پی داشته باشد و این مجموعه را از فرایند نظارتی با سایر نهادها منحرف نماید و به تعامل نظارت‌مدار این نهاد با سایر نهادها و سازمان‌های حکومت خدشه وارد نماید، اقتدار اجتماعی این نهاد را تحت‌الشعاع قرار داده و محل کنش‌گری موفق آن می‌گردد.

پایایی و پویایی اقتدار اجتماعی این نهاد، منوط به آن است که ضمن تکلیف‌گرایی مضبوط، از قاطعیت لازم در اعمال امور برخوردار بوده و با کنش هوشمندانه در تعاملات درون و برون‌نهادی، بقای مقتدرانه خود را تضمین نماید.

### تحکیم اعتماد سیاسی - اجتماعی به شورای نگهبان

اعتماد، سطح خاصی از احتمال ذهنی وصف می‌شود که یک عامل بر اساس آن برآورد می‌کند که عامل یا عوامل دیگری که قرار است با آن تعاون صورت بگیرد، هم‌پاری خواهند داشت یا نه، وقتی می‌گوییم به (الف) اعتماد داریم، منظور تلویحی از آن این است که (الف) احتمالاً عملی را انجام خواهد داد که به نفع ماست (آتویت و باتامور، ۱۳۹۲، ص ۷۸). به زعم مارچ<sup>۵</sup> و اولسن،<sup>۶</sup> اعتماد بر نوعی انتظار استوار است که تخطی از این انتظارت، اعتماد را مخدوش می‌سازد (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹، ش ۴، ص ۱۳). وقتی این اعتماد در سطح عمومی بازتولید می‌شود، گویای این مطلب است که انگاره‌ای در سطح جامعه شکل گرفته مبنی بر این‌که بدنه مردمی وجود و کنش نهاد اجتماعی مورد اعتماد را به نفع خود می‌دانند و بالتبع انتظار پاسخ به امور مطلوب‌شان از جانب متولیان امور را دارند (زاهدی و خانباشی، ۱۳۹۰، ش ۴، ص ۹۶-۷۳).

بازتاب تحصیل اعتماد عمومی در حوزه‌های مختلف متفاوت است. به عنوان نمونه در حوزه سیاسی، به اعتماد سیاسی منجر می‌شود؛ به این بیان که اگر نظام سیاسی اعتماد عمومی را با شاخصه‌هایی چون تعامل مثبت دولت - شهروند، حل مشکلات اداری شهروندان، عدالت‌مداری سازمان‌های دولتی و... جلب نماید، شهروندان اعتماد

سیاسی به نظام ارتقا یافته و در حوزه‌هایی چون مشارکت در انتخابات، حضور در مناسبت سیاسی، حمایت از نظام و نهادها و کارگزاران سیاسی و... پدیدار می‌شود. به عبارتی، اعتمادهای مضاف (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، بهداشتی و...) نمود اعتماد عمومی در حوزه اختصاصی خود است.

با توجه به ماهیت سیاسی - اجتماعی شورای نگهبان، آنچه از جانب امامین انقلاب به عنوان رسالت از آن نهاد مطالبه شده این است که این شورا تثبیت اعتماد عمومی را در حوزه‌های عاملیت خود، با تمهیدات بن‌ریزی چون کنش‌گری شفاف، مسؤولانه، قاطعانه، دوسویه و... اجرایی نموده و تحکیم اعتماد سیاسی - اجتماعی به این نهاد مقدس را در بدنه جامعه متجلی نماید.

با این عنایت، تحقق اعتماد سیاسی - اجتماعی که ارتباط وثیقی به تعامل میان شهروندان و حکومت دارد (تیلی، ۱۳۹۰، ص ۶۱-۵۳)، در گام اول مستلزم توجه به افکار عمومی است. اشراف بر مطالبات مردمی، پاسخ‌گویی به ابهامات اجتماعی، ابتکار عمل در راهبری افکار عمومی (خانباشی و دیگران، ۱۳۹۰، ش ۲، ص ۵۰-۲۵)، شفافیت و اطلاع‌رسانی جامع و به هنگام از فعالیت‌ها (مجدی، ۱۳۸۳، ش ۴۹، ص ۲۵۳-۲۴۳) و... از جمله مصادیق توجه به افکار عمومی بوده که حاصل جمع جبری اهتمام به این امور تحکیم اعتماد سیاسی - اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

### حراست از جمهوریت و اسلامیت نظام

ماهیت نظارتی شورای نگهبان که در عین حال، بالاترین سطح اعمال قدرت و نفوذ در نظام را در برخی حوزه‌ها برخوردار است، موجب شده تا امام و رهبری، عناصر موجوده و مبقیه نظام دینی را از آن نهاد مطالبه نمایند. قوام نظام دینی در ساحت مشروعیت، برگرفته از اسلامیت و در ساحت مقبولیت، هم‌زاد با جمهوریت است. گرچه جمهوریت که تغایر جدی با دموکراسی دارد و اسلامیت در ساخت نظام دینی آمیختگی عملیاتی دارند و حاکمیت واحدی را در میدان رقم می‌زنند، لیکن در ساحت

تئوریک و مرحله اعدادی متفاوت از یک‌دیگر مورد مذاقه قرار می‌گیرند؛ شورای نگهبان به عنوان نهادی هوشمند و مشرف با اختیارات فائقه برای راهبری این امر در ساخت نظام ج.ا.ا. تعریف شده است.

این نهاد از یک سو با نظارت و راهبری انتخابات، تکثرگرایی را محقق می‌نماید که گروه‌های مختلف سیاسی در فرایند جمهوریت حضور و مشارکت داشته باشند و از سویی هم با رفتارشناسی سیاسی - اجتماعی در میدان نظام، حفاظت قاطعانه از جمهوریت را محقق می‌نماید تا در راستای تأدیه تکلیف قانونی خود که قانون بر عهده آن نهاد گذاشته است، از نظام اجتماعی و حقوق مردم حراست نماید. از شروط اساسی برای موفقیت در حراست از جمهوریت، نگرش کل‌نگر به جامعه اسلامی است که در ضمن رصد لایه‌ها و گروه‌های اجتماعی از رهگذر خدماتی که نهادهای امنیتی و حکومتی موظف به ارائه آن‌ها به شورا هستند و شبکه مویرگی که خود شورا در سراسر کشور دارد، بتواند با تحفظ بر حق‌الناس اجتماعی، قانون‌مداری مؤمنانه را متجلی نموده و حراست از اسلامیت را نیز تأمین نماید.

نظارت بر قانون‌گذاری و تفسیر قانون اساسی که هم برآمده از اسلام ناب است و هم مقید به قید تطابق با اسلام است، این نهاد را مکلف می‌گرداند تا صیانت از هویت اسلامی نظام را در تمام رده‌ها و مراتب مورد توجه قرار داده و حتی بر آیین‌نامه‌های داخلی سازمان‌ها و قوانین قبل از انقلاب نیز نظارت داشته باشد (هدایت‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۱، ص ۳۴). شورا موظف است ضمن اسلام‌مداری قاطعانه، هر کجا که احکام الهی به خطر افتاد، حتی اگر مطالبه عمومی پیرامون آن شکل گرفت، حکم الهی را بر تمایلات اجتماعی مقدم داشته و تضمین اسلامیت نظام را تا جایی که بسط ید وجود دارد، امتداد دهد.

### نهادینگی جایگاه شورای نگهبان

نهادینگی روندی یا مکانیزمی است که طی آن، نهاد یا سازمان به حالت

اجتماعی شده در آمده (رحمان سرشت، ۱۳۷۷، ش ۴۰، ص ۱۶-۲) و جزو مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی - اجتماعی به حساب می‌آید. در این صورت نهاد اجتماعی شده، تبدیل به ساحتی از فرهنگ عمومی در زندگی جمعی خواهد شد که عمق نهادینگی آن نهاد از رهگذر میزان اثربخشی آن در ساحت اجتماعی قابل محاسبه است (ایروانی، ۱۳۸۰، ص ۵۵). توجه به این نکته ضروری است که نهادینگی امری تدریجی بوده و عمق آن مفهوم تشکیکی محسوب می‌شود. میزان موفقیت نهاد مربوطه به ایجاد نیاز برای وجود آن، ترسیم اهمیت و وزن آن در ساختار اجتماعی صحیح و کارا و تثبیت توانمندی آن در ساحت اجتماعی، در سرعت سریان و تعمیق نهادینگی، نقش‌آفرینی اساسی دارد. این سلسله امور در شورای نگهبان بالنظایب جاری است، لهذا اگر تبیینی صحیح و فراگیر از نقش شورای نگهبان در معادلات سیاسی - اجتماعی کشور ارائه گردد و ارتقای پایگاه اجتماعی آن را به همراه داشته باشد، روند نهادینگی سرعتی پربسامدتر خواهد یافت. با توجه به حیطه مأموریت‌های قانونی شورا، لازم است در روند دست‌یابی به شورای نگهبان اجتماعی شده، تقویت پایگاه علمی شورا در بدنه اجتماعی از طرق مختلف در دستور کار خود شورای محترم قرار گرفته و با تسری جایگاه شورا در لایه‌های مختلف عملی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و... جامعه، ارتقای جایگاه نهادی آن را رقم بزنند. روند نهادینگی بایستی فراتر از جامعه درونی ایران به کنش‌گری پرداخته و با تصویرسازی صحیح و کلان از عمق دانشی، بینشی، توانشی و کنشی شورا و با توجه به پذیرش جایگاه شورای نگهبان در نظام‌های دموکراتیک دنیا، به تقویت پایگاه جهانی شورا همت گمارد.

### نمودار شبکه مضامین کنش اجتماعی

شکل شماره ۱ (رسم شماتیک کارکردهای اجتماعی شورای نگهبان در اندیشه امام و رهبری)



## نتیجه‌گیری

در نظام‌های سیاسی، با توجه به نوع نظام حاکم، میزان جامعه‌یافتگی ساختار در بدنه اجتماعی و بالتبع جامعه‌پذیری آن، ارتباطی مستقیم با مانایی و انقیاد اجتماعی دارد. به هر میزان که نهادهای اصلی ساختار سیاسی و بالتبع نهادهای فرعی آن در بدنه اجتماعی از مقبولیت عمومی برخوردار باشند، دوام و اثربخشی آن‌ها مضاعف خواهد بود. متوازن با جایگاه نهاد در ساختار سیاسی و پذیرش اجتماعی آن، اقبال اجتماعی به نظام را در پی خواهد داشت. در سیستم‌های حاکمیتی مردم‌پایه جهانی، شورای نگهبان به عنوان یکی از نهادهای رئیسه محسوب می‌شود که در مدل حکمرانی برگرفته از خوانش سیاسی اسلام ناب، نهادی بر آمده از جایگاه ولایت فقیه، اهمیتی مضاعف و بالتبع نقش‌آفرینی کلیدی‌تری در نامیرایی و استیلای نظام داشته و میزان موفقیت آن در فرایند پذیرش اجتماعی به مقبولیت و استحکام نظام دینی، ضریب خواهد بخشید.

در روند جامعه‌یافتگی شورای نگهبان علاوه بر نهادهای متنوعی که مکلف به ایفای نقش هستند، خود شورا نیز موظف است در راستای تحقق آن، کنش اجتماعی فعال داشته و برای ایجاد و تسری شورای نگهبان اجتماعی شده تلاش نماید. بایستگی این امر از بدو تأسیس شورای نگهبان در نظام اسلامی در سپهر اندیشه امام و رهبر معظم انقلاب بدیهی بوده و به همین سبب در شرایط و مناسبت‌های مختلف و متعدد، این نهاد مقدس را مخاطب قرار داده و به انجای مختلف این رسالت‌ها را متذکر شدند.

با صورت‌بندی فرمایشات امامین انقلاب، ۴ مأموریت در حوزه کارکردهای اجتماعی شورای نگهبان قابل‌اصطیاد است که عبارتند از: نهادینگی جایگاه شورای نگهبان، حراست از جمهوریت و اسلامیت نظام، تثبیت اقتدار اجتماعی شورای نگهبان و تحکیم اعتماد سیاسی - اجتماعی به شورای نگهبان. به هر میزان شورای نگهبان در انجام این امور، عاملیت فعال و پویا داشته باشد، میزان سریان پذیرش شورای نگهبان و حمایت‌های اجتماعی از آن در لایه‌های مختلف، گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود که به طور مستقیم بر مقبولیت و کارآمدی نظام سیاسی تأثیرگذار خواهد بود.

## یادداشت‌ها

۱. این کتابچه در سایت پژوهشکده شورای نگهبان به این آدرس قابل دسترسی است:

<https://ccri.ac.ir/fa/news>

2. Theme.
3. Authority.
4. Power.
5. March.
6. Olsen.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آتویت، ویلیام، باتامور، تام، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی، ۱۳۹۲.
۳. استونز، راب، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز، چ ۳، ۱۳۸۳.
۴. اسکات، دلبیو. ریچارد، نهادها و سازمان‌ها، ترجمه مینا دده‌پیگی، تهران: سمت، ۱۳۸۷.
۵. آگ برن، ویلیام و نیم کوف، مایر فرانسیس، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه ا.ح. آریان‌پور، تهران: گستره، چ ۱۳، ۱۳۸۰.
۶. ایروانی، محمدجواد، درآمدی بر نظریه نهادی، تهران: سیاست، ۱۳۸۰.
۷. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، چ ۴، ۱۳۸۴.
۸. تیلی، چارلز، اعتماد و حکمرانی، ترجمه سیدرضا سیمبر و ارسالان قربانی شیخ‌نشین، تهران: دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۰.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات: [www.lewder.ir](http://www.lewder.ir)
۱۰. خانباشی، محمد و دیگران، «پاسخ‌گویی؛ بستری برای تقویت اعتماد عمومی»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره چهارم، ش ۲، ۱۳۹۰.
۱۱. خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، تهران: نگاه دانش، ۱۳۹۶.
۱۲. خورشیدی، عباس و ذوالفقاری، حسین، «بررسی رابطه قانون مناسب و اقتدار اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت‌پژوهی، سال یازدهم، ش ۳۹، پاییز ۱۳۹۱.
۱۳. دارندورف، رالف، «در باره منشاء نابرابری اجتماعی»، ترجمه ح. قاضیان، نامه فرهنگ، سال دوم، ش ۷، بهار ۱۳۷۱.

۱۴. دانایی فرد، حسن و دیگران، «اجرای خط مشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط مشی»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران - مدرس علوم انسانی، دوره چهاردهم، ش ۴، ۱۳۸۹.
۱۵. رجبی، محمود، «تبیین جامعه‌شناختی برخی از سنت‌های اجتماعی قرآن»، نشریه قرآن شناخت، سال چهارم، ش ۱، تابستان ۱۳۹۰.
۱۶. رحمان‌سرشت، حسین، «مروری بر نظریه نهادینگی ساختار سازمانی سلزینک»، مدیریت دولتی، ش ۴۰، تابستان ۱۳۷۷.
۱۷. روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۱۸. زاهدی، شمس‌السادات و خانباشی، محمد، «از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران - مدرس علوم انسانی، دوره پانزدهم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۰.
۱۹. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۰.
۲۰. شیخ‌زاده، محمد و دیگران، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۲۱. صدیق سروستانی، رحمت‌الله، «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره هشتم، ش ۸، ۱۳۷۵.
۲۲. کاویانی، محمد و نظری، مصطفی، «کاربست روش تحلیل مضمون در بررسی و مقایسه جایگاه فکر در روان‌شناسی قرآن‌بنیان»، فصلنامه علمی روش‌شناسی علوم انسانی، سال بیست و هشتم، ش ۱۱۰، بهار ۱۴۰۱.
۲۳. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، چ ۲۳، ۱۳۹۰.
۲۴. گلشن فومنی، رسول، جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی، تهران: دوران، ۱۳۷۹.
۲۵. مجدی، علی‌اکبر، «پاسخ‌گویی و نقش آن در تقویت اعتماد اجتماعی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۴۹، ۱۳۸۳.
۲۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ در قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱.
۲۷. هدایت‌نیا، فرج‌الله و کاویانی، محمدهادی، بررسی فقهی و حقوقی شورای نگهبان، تهران: دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.